

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۳۰ جولای ۲۰۱۱

تقلب ستراتیژیک

در روابط حاکم و محکوم، حاکم دستور می دهد و محکوم اطاعت می کند. در روابط استعماری، قدرت استعماری فرمان می دهد و زعامت مستعمراتی سر به اطاعت و فرمانبرداری خم می نماید. نشیب و فراز و پیچیدگی در جریان روابط استعماری گاه گاهی خلق می شود و یا اینکه تنش های موقتی پدید می آید. این تنش هم می تواند تصادفی باشد و یا عمدی تا مردم عادی نتوانند به عمق ستراتیژی مقامات استعماری و خلف مستعمراتی پی ببرند. این حالت را که می توان آن را "تقلب ستراتیژیک" نامید در روابط کنونی امریکا با افغانستان مشاهده می کنیم.

بعد از تجاوز یک قدرت استعماری به کشور های مورد نظر و استقرار یک نظام دست نشانده و مستعمراتی، زعامت دولت مستعمره چندی بعد سعی می ورزد برای خود وجه ملی دهد و با نیرنگ های متفاوت توده های عظیم را بفریب. مثال نجیب الله آخرین رئیس جمهور دست نشانده مسکو در کابل برای همه برجسته است. با همه شارلاتانی ها و فریب کاری هایی که از کی جی بی آموخته بود، موفق نشد کثافت و محکومیت تاریخی را از ماهیت نامش دور کند. حامد کرزی هم دقیقاً به جای پای نجیب قدم می گذارد. اما با قاطعیت می توان گفت که نامش قبلاً به حیث شاه شجاع امریکائی و رئیس جمهور دست نشانده در تاریخ کشور محکوم ما ثبت گردیده و هر گونه تقلا در زدودن نام ناپاکش نقش بر آب خواهد شد.

درین اواخر، موضوع به اصطلاح "همکاری ستراتیژیک" امریکا و افغانستان در داخل و خارج کشور ورد زبان ها شده است. حامیان "همکاری ستراتیژیک" و تأسیس لشکرگاه های امریکا متشکل اند از لوده های سیاسی در امریکا و اروپا، کلیه میهن فروشان چپ و راست، زعامت دولت مستعمراتی کابل، بورژوازی کمپرادور، فیودال ها و کانگستر های محلی، قاچاقبران مواد مخدره و روشنفکران بی دماغ لیبرال و بی تفاوت ها در امور میهن. مخالفان "همکاری ستراتیژیک" و تأسیس مراکز نظامی امریکا در افغانستان مشتمل اند بر افراد شریف و میهن دوست، ملی گرایان واقعی، روشنفکران مبارز و انقلابی، کارگران و دهقانان زیر ستم، محصلان پاکیزه خو و روشنفکران اصیل که از تجمع پول و ثروت تا اکنون دوری جسته اند. ملت ما به سوی خود آگاهی روان است. وجدان مبارزاتی کتله های عظیم مردم هر روز تکامل می یابد و حالت خودجوش را به خود می گیرد. همین رسائی

فکری و جنبش های خود به خودی مردم ماست که متجاوزان را به تغییر دایمی تاکتیک ها وادار ساخته و در تنگنای سیاسی مهیبی قرار داده است. مجموع همین تاکتیک ها سرانجام امریکا را به "قلب ستراتیژیک" وادار ساخته است.

ریان کروکر (Ryan Crocker) سفیر کارگشته امریکا در کابل اظهار داشت که "روابط ستراتیژیک امریکا و افغانستان بر مبنای یک اعلامیه نه عقد پیمان که عملی شدن آن سهل تر است تنظیم خواهد شد." چه تفاوتی به حال افغانستان خواهد داشت که اعلامیه نه پیمان روابط حاکم و محکوم امریکا و افغانستان را تثبیت نماید. آیا اعلامیه نه پیمان استقلال و حاکمیت ملی افغانستان را اعاده خواهد کرد؟ آیا اعلامیه نه پیمان وجهه ضد ملی دولت مستعمراتی حامد کرزی و پارلمان دست نشاندۀ را در جهت مثبت تغییر خواهد داد؟ جوابات به این سؤال ها و سؤال های بی شمار دیگری منفی است. این گفتار سفیر امریکا یک قلب ستراتیژیک است و او می داند که چه می گوید. فریب و دروغ در دیپلماسی کنونی جهانی جا و نقش برجسته دارد. ممکن برای زعامت کابل اعلامیه نه پیمان یک "پیروزی" تلقی گردد که آنرا زاده هوشیاری و میلان ملی گرایانه خود دانسته و به رخ مردم خود بکشند که امریکا را چه کشت و ماتی داده اند. اعلامیه نه پیمان برای خائنین چهار آتشه ملی و لوده های سیاسی یک مصیبت است. چه این گروه ها صد در صد "انقیاد ستراتیژیک" می خواهند نه کمتر از آن.

"ریان کروکر" همچنان خاطر نشان ساخت که "امریکا علاقه مندی در تأسیس مراکز دایمی نظامی در افغانستان نداشته و نمی خواهد که ازین کشور مانند تخته خیزی برای تحت تأثیر قرار دادن همسایه ها استفاده نماید." متوجه می شوید هموطنان که چطور یک قدرت جهانی به یک بارگی تغییر عقیده می دهد و به مفکوره تأسیس لشکرگاه های نظامی دایمی پشت پا می زند. این بار دیگر یک قلب ستراتیژیک برای فریب ستراتیژیک مردم است. اعلامیه و یا پیمان هر دو دست امریکا را در کشور مستعمراتی افغانستان آزاد خواهد گذاشت و به جز مبارزات مردمی نه طالبی، مانع دیگری را نخواهد دید. در صورت افزایش کشیدگی واقعی با حامد کرزی (؟)، امریکا می تواند با تهدید و یا اعطای رشوه های گزاف نیات استعماری خود را از طریق پارلمان و لویه جرگه بر کشور تحمیل کند و اعلامیه و پیمان را به آسانی مرعی الاجراء گرداند. دایمی بودن و یا موقتی بودن لشکرگاه های امریکا هم از نگاه استعمال کلمات کمترین تغییری در موقف تجاوز کارانه امریکا پدید نخواهد آورد. از تجاوز امریکا به افغانستان یک دهه می گذرد. آیا اشغال فعلی کشور درین ده سال فقط موقتی بوده است؟ چه مدت زمان را دایمی و چه مدت زمان را موقتی باید گفت؟ پس اعلامیه نه پیمان همچنان به حالت به اصطلاح موقتی اشغال کشور تداوم خواهد بخشید و به تأسیس لشکرگاه های امریکا در افغانستان "قانونیت" خواهد داد و کلمه موقتی را به جای دایمی ورد زبان ها خواهد ساخت.

سفیر امریکا اطمینان داد که از خاک افغانستان علیه کشور های همسایه استفاده نمی شود. سفیر امریکا واضح ساخت که اگر افغانستان مورد تاخت و تاز کشور های همسایه اش قرار گیرد که هر روز اتفاق می افتد، به دفاع از آن بر خواهد خاست یا خیر؟ از جریان مداخلات و تجاوزات کشور های همسایه به کشور ما چنین استنباط می شود که امریکا علاقه مندی به قطع مداخلات کشور های همسایه و ثبات افغانستان ندارد زیرا خود متجاوز است. اعلامیه و یا پیمان ستراتیژیک که استقرار لشکرگاه های امریکا را به دنبال خواهد داشت برای دفاع افغانستان نه بلکه برای منافع ستراتیژیک امریکا در افغانستان و منطقه خواهد بود. خابنین ملی و لوده های سیاسی بی شرمانه اظهار می کنند که پیمان ستراتیژیک و استقرار لشکرگاه های امریکا برای دفاع افغانستان از شر تجاوز کشور های همسایه ضروری است، در حالیکه اربابان حد اقل در ظاهر نیات دیگری دارند.

چه باید کرد؟ وجبیه فرد فرد انسان های نجیب و مبارز در داخل و خارج کشور است که از ناموس کشور دفاع نموده و استقلال و حاکمیت ملی کشور را اعاده کرده و افغانستان را از شر اجانب و مزدوان آن ها نجات بخشند.